



داریوش بزرگ

اقدامات بزرگ داریوش بزرگ

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۲۵ بهمن ۱۳۹۱ | ۵ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

بعد از پایان جنگ‌های داخلی و استحکام پایه‌های قدرت داریوش به شوش رفت و دستور داد تا بر خرابه‌های شوش شهر و قصری با شکوه بسازند. سپس بعد از استقرار در آپادانا طی مراسمی با شکوه با آتوسا دختر کوروش کبیر ازدواج کرد و با این اقدام توانست پایه‌های حکومت خود را استحکام بخشد. داریوش برای هرچه بهتر کردن دولتش کشورش را به سی استان تقسیم کرد و برای هر استان دستگاه منظم دولتی بوحود آورد. و برای رسیدگی به اوضاع هر استان کاگذاری را بعنوان استاندار تعیین کرد و برای اینکه قدرت در دست یک نفر نباشد یک نفر دیگر ر



بعد از پایان جنگ های داخلی و استحکام پایه های قدرت داریوش به شوش رفت و دستور داد تا بر خرابه های شوش شهر و قصری با شکوه بسازند.

سپس بعد از استقرار در آپادانا طی مراسمی با شکوه با **آتوسا دختر کوروش کبیر** ازدواج کرد و با این اقدام توانست پایه های حکومت خود را استحکام بخشد.

داریوش برای هرچه بهتر کردن دولتش کشورش را به سی استان تقسیم کرد و برای هر استان دستگاه منظم دولتی بوحود آورد.

و برای رسیدگی به اوضاع هر استان کاگذاری را بعنوان استاندار تعیین کرد و برای اینکه قدرت در دست یک نفر نباشد یک نفر دیگر را بعنوان فرمانده قوای آن ساتراپ(استان) گماشت.

...

همچنین فردی را بعنوان دبیر برای نظارت بر کار فرماندار نظامی و استاندار گماشت دبیر موظف بود عملکرد این دو را به حکومت مرکزی ارسال بکند.

همچنین **داریوش** گاهی جاسوسانی را به ساتراپ(استان)ها می فرستاد تا اطلاعاتی از آنجا برای داریوش بفرستند این افراد چشم و گوش شاه نامیده می شدند.همچنین داریوش دستگاه مالیاتی بوجود آورد که استاندار ها نتوانند مالیات اضافی از مردم اخذ کنند.

داریوش برای ایجاد امنیت در مرزها و سرکوب شورش سپاه منظم و قدرتمندی از دهزار سرباز ثابت و همیشه آماده بنام سپاه جاویدان ایجاد کرد. هرگاه یکی از این سربازان کشته می شد یا می مرد بی درنگ سباز ورزیده ی جدیدی جای آن را می گرفت.

همچنین سپاهی چهار هزار نفری مسئول حفاظت از قصر ها و جان پادشاه بودند و سربازان نیز بطور مستقیم از شخص داریوش دستور می گرفتند.

سپس دستور ساختن راهای شاهی باطول ۲۷۰۰ کیلومتر را داد که شوش را به هکمتانه شوش را به پارسه و پاسارگاد و شوش را به بابل متصل می کرد و راه های دیگری را نیز ساخت که هکمتانه را به گرگان و خوارزم و راه دیگری که ری را به هرات و از آنجا به هند امتداد می داد. یکی از راها شوش را از کرمان به دریای عمان می رساند.

این راها در کوقع جنگ برای لشکر کشی سریع و در مواقع صلح برای رفت آمد مردم و بازرگانی به کار گرفته می شد. برای تامین امنیت راها در نقاط خطرناک نگهبان هایی گماشته شده بودند و کاروانسراهایی نیز برای راحتی مردم در راها ساخته شده بود.

در این کاروانسرا ها افرادی به نام چاپار با اسبهای تندرو مستقر بودند که از آنجا که فاصله ها طولانی بود دستورات پادشاه به وسیله ی این چاپار ها به دبیران جاسوسان و فرماندهان ارسال می شد بطوری که وقتی یک چاپار به کاروانسرای می رسید نامه را در آنجا به چاپار دوم و چاپار دوم نیز وقتی به کاروانسرای می رسید نامه را به چاپار سوم می رساند و به این ترتیب نامه به مقصد می رسید. و راههای را که کاروانها در سه ماه طی می کردند چاپارها در یک هفته طی می کردند.

داریوش برای سهولت در داد و ستد دستور داد تا سکه هایی از طلای خالص به نام خودش ضرب کنند و با وزنه های مشخص اندازه بگیرند.

یکی دیگر از اقدامات داریوش حفر و لایروبی کانال سوئز بطول ۲۰۰ کیلومتر بود و با تکمیل کانال ارتباط دریای مدیترانه با دریای سرخ برقرار شد و کشتی های ایرانی توانستند از طریق این کانال به مصر برسند.

در نزدیکی کانال سوئز کنیه ای پیدا شده که اکنون در موزه ی لور است بروی این کتیبه نوشته من داریوش شاه بزرگ شاه تمام کشورها پسر ویشناسب من پارسى هستم که مصر را تسخیر کردم و دستور دادم تا این کانال را حفر کنند از رود نیل که در مصر جاری است تا دریای پارس این کانال حفر شد چنان که من دستور دادم و کشتی ها روان شدند چنانکه اراده ی من بود.

همچنین داریوش کاخهای بزرگ و مجلی در شوش و تخت جمشید ساخت و به اقتضای آب و هوای فصول در یکی از آنها به سر می برد.

همچنین داریوش طرح تعلیمات عمومی و سواد آموزی را بطور رایگان اجرا کرد.

سکاها اقوام چادر نشینی بودند که در سرزمین هار جنوبی روسیه پراکنده شده بودند و به مرزهای ایران تاخت و تاز می کردند تعدادی از فرماندهان داریوش به قفقاز رفتند و حمله سکاها را دفع کردند و داریوش هم با لشکر خود از لیدی به سمت اروپا حرکت کرد سو وقتی به تنگه بسفر رسید بدستور حاکم لیدی کشتی های بزرگی را کنار هم قرار دادند و داریوش و سپاهیان از پل آنها عبور کردند و وارد اروپا شدند سکاها دست به فرار گذاشتند و به سمت سرزمین های شمالی رفتند و تمام سرزمین هایی که در راه خود بود را می سوزاندن و داریوش به این دلیل و نبودن امکان فراهم کردن آذوقه از تعقیب آنها دست برداشت.

در مورد جنگ با سکاها داریوش در بند آخر کتیبه ی بیستون نوشته است: پس از آن که من با سپاهیانم به سرزمین سکاها رفتم وقتی من به دریا رسیدم آنها فرار کردند و من به آنسوی دریا رفتم و با آنها جنگیدم شماری را دستگیر کردم و بقیه را کشتم. فرمانروایشان سکونخای نامی را دست بسته برایم آوردند پس من شخص دیگری را که اراده کرده بودم به فرمانروای آنجا کردم پس آن ایالت سکایی هم از آن من شد داریوش می گوید آن سکاها بدکار بودند و اهورامزدا را نمی پرستیدند اما من اهورا مزدا را می پرستیدم و به خواست او هر آنچه میل من بود با سکاها کردم آنکه اهورا مزدا را پرستد تا توانایی دارد شادی از آن او خواهد بود.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «اقدامات بزرگ داریوش بزرگ»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1234/pdf/اقدامات-بزرگ-داریوش-بزرگ.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹